یادداشت روز

حفظ عزت مردم وظیفه چه کسی است؟

حرکات و اجتماعات مردمی، از نخستین روزهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جزئی از ماهیت و ذات انقلاب بود و در کلام امام راحل عظیم‌الشان، از جمله رموز پیروزی و بقاء انقلاب قلمداد شده است. درمقابل همیشه جمعی بودند که مردمی بودن امور را مانع نظم و انضباط دانسته و معتقد بودند که مردم باید به خانه‌هایشان برگردند! و هنگامی هم که دستشان رسید، اغلب نهادهای مردمی را منحل کردند! اما واقعیت این است که اگر قرار بود انقلاب اسلامی بدون حضور و حمایت مردمی و تنها با تکیه به تدبیر سیاسیون اداره شود، هرگز به قله‌های سربلندی و افتخار کنونی نمی‌رسید. اما این نعمت الهی - همچون بسیاری دیگر از نعم- در کنار برکاتش، آفاتی دارد که ناشی از عدم مراقبت و دوراندیشی است. از آن جمله می‌توان به برخی حرکات اشاره کرد که زمینه را برای نفوذ بدخواهان و بداندیشان فراهم می‌کند. آنچه در ایران و در مقابل سفارت رژیم عقب مانده آل سعود اتفاق افتاد، حضور مردمی حق‌طلب بود اما حوادث بعدی، صورت مسئله را عوض کرد و زمینه مسائلی دیگر را پدید آورد. تا آنجا که برخی کوشیدند جای مسئله اصلی را با مسئله فرعی دیگر عوض کنند و از این رهگذر، دشمن اصلی و نوکرانش را در حاشیه امن قرار دهند و آن را به سرپوشی برای ضعف و کم‌کاری‌های خود تبدیل کنند! در اینکه ورود به سفارت و اقدامات بعدی، ناپسند و نادرست بود و به اعتبار فرمایشات رهبر عزیز انقلاب در ماجرای سفارت دولت خبیث انگلیس، مورد نهی صریح قرار گرفته بود، تردیدی نیست. این موضوع اساسا محل مناقشه نیست. اما درباره اتفاقات بعد از حادثه و ریشه‌های آن، دو نکته را نباید از نظر دور داشت:

۱-این حادثه نخستین حادثه تاریخ از این دست نبود و ما برای مواجهه با آن الگویی روشن در دست داریم. در زمان حیات پیامبر عظیم‌الشان اسلام،گروهی از مسلمانان، به فرمان ایشان، به ماموریت شناسایی و اطلاعاتی اعزام می‌شوند. آنها در محل ماموریت، دشمن را بسیار آسیب‌پذیر می‌بینند. همین امر سبب می‌شود که برخی از آنها بر خلاف ماموریتشان، فرصت را از دست نداده، طی کارزاری کوتاه، عده‌ای از کفار و مشرکین را هلاک کنند! این رخداد در ماه حرام اتفاق می‌افتد و حربه تبلیغاتی بزرگی بدست مشرکین می‌دهد تا مسلمانان را افرادی لاابالی و غیرپایبند به آیین‌های مقدس و محترم معرفی کنند. (حرمت قتال در ماه‌های حرام، منحصر به اسلام نیست و پیش از اسلام نیز در بین اهالی جزیره‌العرب رایج بود) این فضای تبلیغاتی مسموم، سبب مراجعه مسلمین به پیامبر و پرسش از درستی یا نادرستی این کار و اصل جنگ در ماه حرام گردید. خداوند متعال سفیر وحی را به جانب پیامبر روانه کرد و اینگونه فرمود: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فيهِ قُلْ قِتالٌ فيهِ كَبيرٌ وَ صَدٌّ عَنْ سَبيلِ اللّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ إِخْراجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللّهِ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (ای پیامبر) از تو درباره ماه حرام و قتال در آن می‌پرسند. بگو قتال در ماه حرام گناهی بزرگ است ولی جلوگیری مشرکین از راه خدا و کفر به آن و جلوگیریشان از رفتن شما به مسجدالحرام و بیرون کردن مؤمنین از آنجا نزد خدا گناه بزرگتری است چون فتنه است و فتنه جرمش از قتل بزرگتر است.» (سوره بقره آیه ۲۱۷) می‌بینیم که خداوند متعال در آیه فوق، رفتار مسلمانان را صراحتا تقبیح می‌فرماید و آن را مصداق فعل حرام و نافرمانی الهی معرفی می‌کند، اما بلافاصله با بازگشت به موضوع اصلی یعنی عناد و دشمنی کفار با مسلمانان در امور مختلف، ضرورت توجه به مسئله مهم و محوری و بالاتر دانستن فتنه‌انگیزی از قتل را به آنها می‌آموزد و اینکه رخدادهای جانبی هر چند قابل توبیخ و شایسته محکوم کردن هستند ولی این توبیخ و محکومیت نباید مسئله اصلی را به حاشیه براند.

۲-اما فارغ از آنچه شد و آنچه باید انجام بشود، ریشه‌یابی ماجرا و چرایی این رخداد و موارد مشابه بسیار مهم و حائز اهمیت است. حفظ اقتدار سیاسی و عزت مردم یک کشور، از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین وظایف یک دولت است و در این موضوع تفاوتی بین یک کشور قدرتمند و غیرقدرتمند، مسلمان و غیرمسلمان و ... وجود ندارد. در اصل مردم یک کشور، با انتخاب حاکمان و مسئولان اجرایی، آنها را به عنوان وکیل برای انجام امور مختلف انتخاب می‌کنند و اینکه لفظ «خدمتگزار» برای مسئولان مورد استفاده قرار می‌گیرد، حقیقتی از این جنس است. حال اگر مدیران اجرایی، در عمل به وظایف خود کوتاهی کنند چه اتفاقی می‌افتد؟ مثلا اگر در تامین امنیت غفلت شود، بدیهی است که مردم خود به مبارزه با راهزنان و گردنه‌گیران بر می‌خیزند و در این مسیر ممکن است نسبت به آنچه که باید، زیاده‌روی صورت بگیرد. اینجا نباید و نمی‌توان تنها به سراغ شخص خاطی رفت و او را مواخذه کرد که چرا چنین و چنان کردی!؟ بلکه علاوه بر او و پیش از او، آن که با اهمال و کوتاهی سبب فراهم آمدن چنین وضعیتی شده، مستحق ملامت و سرزنش و مواخذه است. حال باید پرسید آیا در ماجراهای بین ایران و رژیم آل سعود، مسئولان ما به وظایف خود عمل کردند و عزت و حیثیت مردم را حفظ کردند یا نه و با رفتار خود سبب سرشکستگی و پدید آمدن حس خشمی فروخورده در مردم شدند!؟ پاسخ این پرسش ابدا دشوار نیست! بدون کمترین تردیدی و با مروری بسیار کوتاه بر کارنامه مناسبات مشترک، در می‌یابیم که انفعال دیپلماتیک، سبب وضع موجود شده است. آیا جز این است که حمله به سفارت ایران در لبنان و انفجار تروریستی در برابر آن که منجر به شهادت تنی چند از بهترین فرزندان ایران و یاران حزب‌الله شد، به اذعان و اعلام منابع اطلاعاتی، به اشاره و دستورمستقیم رژیم آل سعود انجام شده بود؟ آیا وقتی شاه ماهی اطلاعاتی آل سعود و عامل ویژه بندر بن سلطان - شاهزاده خبیث و ضد ایرانی آل سعود- در بیروت به دام افتاد، این حکام وهابی آل سعود نبودند که بلافاصله وی را در زندان به قتل رساندند تا راز جنایات و خباثت‌هایشان بر ملا نشود!؟ در مقابل این رفتار آل سعود، ما چه کردیم!؟ آیا سفارت ایران در بیروت، حریم دیپلماتیک ما نبود و تنها سفارت آنها واجد وصف مذکور است!؟ در جریان حادثه تلخ فرودگاه جده، جز قطع عمره (که در اصل بریدن پای عمره‌گزاران ایرانی از کانون اجتماع مسلمین بود) کدام اقدام دیپلماتیک و قانونی دولتمردان، از خشم مردم کاست؟ اعاده حیثیت مخدوش دو فرزند کشورمان به کجا انجامید؟ در واقعه هولناک و جانکاه منا، مسئولان دولتی و مدافعان دیپلماسی لبخند و تنش‌زدایی چه کردند!؟ آیا جز این بود که حتی برای رفتن به حجاز هم مشکل داشتند و آیا جز این بود که تمنا و واسطه‌تراشی آنها برای جلب نظر مساعد جنایتکاران آل سعود ثمری نداشت و وزیر بچه‌سال سعودی، رفتاری زننده با مسئولان طراز اول ما داشت!؟ آیا جز این بود که رئیس جمهور حاضر نشد سفر به نیویورک را رها کند و به کشور برگردد و تنها بعد از بالا گرفتن فشار افکار عمومی و چالش ناکارآمدی دیپلماسی دولت، چند ساعت زودتر از برنامه،به ایران بازگشت!؟آیا اگر خروش حیدرگونه رهبر عزیز انقلاب نبود،تمناهای دیپلماسی دولت یازدهم آلام مردم را درمان می‌کرد و خشم و بغض مردم را درمانی بود؟واقعیت این است که در آن ماجرای تلخ، رژیم آل سعود اوج رذالت و پستی خود را با مرگ هزاران نفر از حجاج بیت‌الله الحرام نشان داد و در کشورمان هم دستگاه دیپلماسی، اوج ضعف و ناتوانی را! و تنها فریاد الهی و تهدید و صولت رهبر انقلاب بود که کارگر افتاد و جانیان وهابی را به جای خود نشاند. و بالاخره آیا جز این است که - حسب چندین اظهار نظر صریح رئیس جمهور محترم و معاون اول ایشان- توطئه آل سعود و همدستی آنها با شیطان بزرگ، نفت ۱۲۰ دلاری را به زیر ۳۰ دلار رسانده است؟ اما واکنش دولت در عرصه دیپلماسی و دیپلماسی انرژی چه بود!؟ جز آنکه وزارت نفت ما صراحتا بر افزایش تولید ایران و تامین امنیت انرژی جهانی(!) تاکید کرد، چه واکنشی را شاهد بودیم!؟ آیا جز این بود که در همان ایام و در حالی که کوتاه زمانی از فاجعه منا گذشته بود، دولت از گشودن «فصل نوینی از مناسبات با عربستان» سخن گفت و خشم و حیرت همگان را موجب شد!؟ چندین و چند فقره دیگر از این موارد را می‌توان برشمرد و نشان داد که دولت در عرصه دیپلماسی تا آنجا عقب نشسته که حتی سودان و جیبوتی و ... ما را با قطع رابطه، مورد حمله قرار می‌دهند! آیا بهتر نبود با یکی از این حوادث، دولت ما پیش‌دستی می‌کرد و سفیر رژیم آل سعود را اخراج می‌کرد!؟ مثلا جان بیش از ۵۰۰ ایرانی، به اندازه پرده‌های آتش گرفته سفارت وهابی‌های ضد اسلام ارزش نداشت!؟

اکنون ضمن آن که به عنوان یک اقدام ضروری بایستی با عوامل حادثه برخورد شود و چنانچه دست‌های آلوده‌ای در کار بوده است، شناسایی و مجازات شوند، نباید علت‌ها را در حاشیه امن پنهان کرد!؟ آیا معاون استاندار یا فلان مقام انتظامی بیشتر مستحق شماتت و مواخذه‌اند یا کسانی که با تساهل غیرقابل توجیه در مقابل حرمت‌شکنی‌های بیگانگان، به جای حس عزت، طعم تلخ بی‌احترامی به مردم در برابر دون‌پایگان و فرومایگان آل سعود را برایشان رقم زده‌اند؟! متاسفانه همین حالا هم شاهد آنیم که رفتار عجیب و غیرقابل قبول دولتمردان ما ادامه دارد. این روزها وزیران آل سعود به دریوزگی از این کشور به آن کشور می‌روند و با پول‌های باد آورده نفتی، دولت‌ها را مجاب به قطع یا کم کردن رابطه با ما تحریک می‌کنند. ثمر آن را هم می‌بینیم و شاهدیم. در آخرین نمونه دولت تاجیکستان، اعزام دانشجویانش را به ایران، به بهانه «عدم وجود امنیت» متوقف می‌کند! و متاسفانه نمایندگان مجلس تنها چند ساعت پس از اقدام گستاخانه و بی‌شرمانه تاجیکستان، موافقت‌نامه همکاری امنیتی و انتظامی میان دولت ایران و جمهوری تاجیکستان را تصویب کردند! و نمی‌اندیشند که برای احترام به عزت مردم ایران چند روز دست نگه دارند! واقعا آن همه وعده برای حفظ عزت ایران و ایرانی همین‌ها بود!؟

حسین شمسیان

نمایندگان در گفت و گو با کیهان:

مردم اجازه نمی‌دهند مجلس دهم تریبون شیفتگان آمریکا شود

سرویس سیاسی -

نمایندگان مجلس تاکید کردند: مردم اجازه نخواهند داد تا مجلس دهم تریبون شیفتگان آمریکا و غرب شود از این رو با حساسیت و دقت نمایندگان مجلس آتی را انتخاب خواهند کرد.

نگاه به پرونده عملکرد مجلس ششم می تواند مولفه های اساسی لازم جهت ایجاد یک مجلس معیار را نشان دهد. مجلس ششم با کارنامه ای پرحاشیه و ساختار شکن در نزد افکار عمومی شناخته می شود؛ از حاشیه سازی های مجلس ششم می توان اعتراض به اعتبار نامه نمایندگان اصولگرای مجلس، اصلاح قانون مطبوعات، نامه موسوم به جام زهر نمایندگان به رهبر انقلاب و نیز تحصن در اعتراض به شورای نگهبان در رد صلاحیت ها را نام برد که همگی در جهت ضربه زدن به منافع ملی می تواند ارزیابی شود.

رهبر معظم انقلاب شنبه هفته جاری (۱۹ دی) در دیدار با مردم قم فرمودند: مجلسی که در قضیه هسته ای و دیگر مسائل مقابل دشمنان بایستد و شجاع، مستقل و آزاد، حرفها و مواضع ملت را بیان کند با مجلسی که در مسائل گوناگون حرفهای دشمن را تکرار می کند، از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

بیان رهبر معظم انقلاب به خوبی نشانگر اهمیت مجلس و نمایندگان حاضر در آن در ساخت آینده یک کشور است، از این رو مردم جامعه باید با نگاهی تیز بین و بهره گیری از تجربه مجالس گذشته دست به گزینش زده و افرادی را به عنوان وکلای ملت به مجلس بفرستند که بتواند از اقتدار و عزت کشور دفاع کند.

در همین ارتباط اسماعیل کوثری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با کیهان ابراز داشت: مجلس ششم نه تنها به نفع مردم کار نمی کرد بلکه در جهت ضرر مردم و کشور حرکت می کرد و اقداماتی انجام می داد که در جهت منافع بیگانگان بود.

وی با اشاره به اینکه مجلس ششم در روز روشن در پازل دشمن حرکت می کرد اظهار داشت: مجلس ششم از ابتدا تا انتها به دنبال بحران سازی و ضربه زدن به نظام بود و متاسفانه در آن دوره عده ای به دنبال تعطیلی مجلس بوده و لوایحی را مطرح می کردند که به ضرر منافع ملی کشور بود.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اینکه امروز نیز جریانی قصد دارد تا نمایندگانی از همان تبار را در غفلت دستگاه‌های اجرایی وارد مجلس بکند خاطرنشان کرد: مردم با دقت و حساسیت نمایندگان را انتخاب و به آنها رای دهند و افرادی را به عنوان وکلای ملت برگزینند که به ضرر منافع ملی اقدام نکنند.

کوثری با تاکید بر اینکه نمایندگانی باید به مجلس وارد شوند که در قبال نظام و انقلاب امتحان خوبی پس داده باشند تصریح کرد : همه دستگاه های نظارتی باید به خوبی به وظایف خود عمل کنند و از سوی دیگر مردم نیز با آگاهی و شناخت انتخاباتی انجام دهند که راه نفوذ عوامل دشمن به مجلس را ببندند.

در ادامه زهره طیب زاده نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با کیهان با اشاره به اینکه مردم به مجلسی که سخنگوی آمریکا باشد رای نخواهند داد گفت : مجلسی در راس امور است که خواست آحاد جامعه را بیان کند و تاریخ نظام اسلامی نشان داده است که خواست مردم در مبانی و آرمان های انقلاب اسلامی و جهت گیری های نظام اسلامی خلاصه می شود .

وی با اشاره به اینکه هرساله مردم با حضور در راهپیمایی روز قدس و ۲۲ بهمن مطالبات اصیل خود را فریاد می‌زنند اظهار داشت : بدون تردید مجلسی که نتواند حرکت خود را نسبت به آرمان های انقلاب اسلامی و نیز مبانی روز قدس هماهنگ کند قطعا از سوی مردم طرد خواهد شد .

طبیب زاده با اشاره به اینکه مجلس ششم تنها دوره ای در تاریخ مجلس شورای اسلامی است که پر تنش و مغایر با آرمان های انقلاب حرکت می‌کرد تاکید کرد : ملت ایران ثابت کرده اند که با هیچ فردی عقد اخوت نبسته‌اند و هرکسی اگر خارج از آرمان‌های انقلاب شعار بدهد صف شان را از آنها جدا خواهند کرد .

این نماینده مجلس نهم اضافه کرد: مردم اجازه نخواهند داد که مجلس دهم تریبون شیفتگان آمریکا شود.

وی در پایان تصریح کرد : مردم در انتخابات مجلس دهم انتخابی توام با بصیرت و آگاهی انجام خواهند داد و نخواهند گذاشت مجلسی به مانند مجلس ششم به وجود بیاید .

همچنین بهرام بیرانوند نماینده مردم بروجرد در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه مجلس باید خلاصه فضائل مردم باشد اظهار داشت : مجلس در نظام اسلامی باید با صدای بلند حرف‌های مردم را بزند و اهداف آنان را دنبال کنند که در غیر این صورت شاهد هستیم که مردم با مجلسی ناهمگون برخورد خواهند کرد همان‌طور که با مجلس ششم رفتار کردند .

وی با اشاره به اینکه مشکل اصلی مجلس ششم این بود که همچون دولت وقت اولویت خود را مسایل دیگری قرار داده بود، در حالی که مردم با مشکلات اقتصادی دست به گریبان بودند، خاطرنشان کرد : مجلسی می تواند نمره قبولی از افکار عمومی بگیرد که خطوط قرمز نظام اسلامی را رعایت کند و در مقابل دشمنان منافع ملی ایستادگی کند که در این صورت از حمایت مردم برخوردار است ودر غیر این صورت ملت با هیچ کسی عقد اخوت نبسته اند.

حمید رضا حاجی بابایی نماینده سابق مردم همدان در مجلس ششم شورای اسلامی در گفت و گو با کیهان بااشاره به اینکه مجلس ششم، جنجالی‌ترین دوره قانون گذاری در تاریخ انقلاب بود گفت : مجلس ششم در بین مجالس از ویژگی‌های خاص و شرایط ویژه ای برخوردار بود .

وی افزود : نمایندگان مجلس ششم در مجموع از مسیر انقلاب و گفتمان امام و رهبری خارج شدند ؛متاسفانه در مجلس ششم مسائلی مطرح شد که با چهارچوب های اصلی نظام در تضاد بود .

حاجی بابایی اظهار داشت : در آن دوره اکثریت مجلس که در دست اصلاح طلبان بود طرح دو فوریتی را مطرح کردند که به دنبال آن بود تا بحث هسته ای را ملغی کند و کشور را از گردونه پیشرفت خارج سازد.

وی با تاکید بر اینکه بزرگ ترین اشتباه مجلس ششم بعد از جنجال سازی و حاشیه سازی برای نظام اسلامی به استعفای دسته جمعی نمایندگان اصلاح طلب مجلس و سعی آنان در تعطیل کردن مجلس بود، ابراز داشت : پایان دوره مجلس ششم با جنجال آفرینی و سناریوی تحصن و طرح استعفای دسته جمعی همراه بود این تنها نمونه ای بود از عملکرد جناحی و سیاسی مجلس ششم که آن را نزد افکار عمومی و قضاوت مردم نامطلوب جلوه داد.

وی ادامه داد : این در حالی بود که مطالبات حقیقی مردم از سوی این مجلس نادیده گرفته شده و حرکتی جدی در حل مشکلات معیشتی مردم و رفع فقر و بیکاری و تورم و... انجام نگرفت.

حاجی بابایی با اشاره به اینکه نمایندگان اصلاح طلب مجلس به دنبال آن بودند تا جام زهر دیگری را به نظام اسلامی تحمیل کند خاطر نشان کرد : در سال ۱۳۸۱، ۱۲۷ تن از نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم نامه ای برای رهبر معظم انقلاب اسلامی نوشتند مبنی بر اینکه شرایط به گونه‌ای شده که ضروری است رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز همانند امام (ره) جام زهر دیگری را بنوشد.

وی تاکید کرد : ما شاهد بودیم که چند روز بعد از نوشتن آن نامه ، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیاناتی صریح با تاکید مواضع اصولی انقلاب و نظام اسلامی در برابر نظام سلطه و آمریکا، فرمودند؛ امروز آمریکا به مراتب ضعیف تر از قبل شده و جمهوری اسلامی مقتدرتر از گذشته می باشد و اگر آمریکا به ملت ایران حمله کند، شکست سختی خواهد خورد.

نماینده مجلس ششم با اشاره به اینکه تاکیدات رهبر انقلاب مبنی برشکل گیری مجلس خوب و انقلابی برای آن است تا جلوی دسیسه های دشمنان گرفته شود تصریح کرد : فتنه ۸۸ نشان داد که هنوز توطئه‌های نظام سلطه بر علیه ملت ایران به پایان نرسیده است و آمریکایی‌ها هرگاه فرصتی پیدا کنند به بهانه های مختلف به دنبال نفوذ و ضربه زدن به کشور هستند که به همین خاطر مجلس باید با شجاعت و بصیرت از دستاوردهای انقلاب اسلامی پاسداری کند .

گفت و شنود

شانس!

گفت: دیروز قلب رآکتور اراک را خارج کردند.

گفتم: برخی از رسانه‌ها و محافل آمریکایی هم تعجب کرده‌اند که ایران با عجله مشغول انجام تعهدات خود است.

گفت: در عوض آمریکایی‌ها اولاً؛ به جای امتیاز، فقط وعده داده‌اند، ثانیاً؛ وعده‌ها نسیه است! ثالثاً؛ هر روز یک تحریم جدید به تحریم‌های قبلی اضافه می‌کنند.

گفتم: مگر قرار نبود که در صورت بدعهدی آمریکا ما هم انجام تعهدات خود را متوقف کنیم؟!

گفت: چه عرض کنم؟!

گفتم: ۱۲ هزار سانتریفیوژ را که از چرخه خارج کرده‌ایم، حدود ۱۰ تن اورانیوم غنی شده را هم از کشور خارج کرده‌ایم، حالا قلب رآکتور اراک را هم درآورده و به جای آن بتون ریخته‌ایم.

گفت: سخنگوی سازمان انرژی اتمی کشورمان گفته است، بعد از خارج کردن قلب رآکتور در حفره‌ای که محل آن بود بتون ریخته‌ایم و نه در قلب رآکتور!

گفتم: خوب شد که توضیح داد!... به طرف گفتند؛ دوستت تیر به قلبش خورده و مرده است. گفت؛ عجب شانسی آورده! خوب شد تیر به چشمش نخورد وگرنه کور می‌شد!

یک تحلیلگر غربی مطرح کرد

ریاض دام کاهش قیمت نفت را برای ایران پهن کرد حالا خودش گرفتار شده است

مشاور سابق توسعه بین‌المللی آژانس آمریکا و اتحادیه اروپا گفت: سعودی‌ها علنا تلاش می‌کنند با عرضه بیشتر نفت و کاهش قیمت، به ایرانی‌ها ضربه بزنند که این مسئله برای خود عربستان هم بسیار خطرناک است.

«پائولو وون شیراک» مشاور سابق توسعه بین‌المللی آژانس آمریکا و اتحادیه اروپا گفت: آخرین اقدام عربستان در زمینه کاهش قیمت نفت تلاشی برای فلج کردن اقتصاد ایران و کنار زدن ایران به عنوان رقیب اصلی نفت وی در خاورمیانه بود.

شیراک افزود: سعودی‌ها علنا تلاش می‌کنند با عرضه بیشتر نفت و کاهش قیمت، به ایرانی‌ها ضربه بزنند که این به نوعی استراتژی ضد شیعی آنها درمنطقه محسوب می‌شود.

وی در ادامه گفت: سیاست عربستان همچنین به چنگ آوردن سهم بیشتری ازبازار نفتی است حتی اگر به قیمت کاهش قیمت نفت تمام شود که این مسئله برای خود عربستان هم بسیار خطرناک است.

شیراک تاکید کرد: خانواده سلطنتی سعودی به استفاده بیش از اندازه از منابع نفتی و صادرات بیشتر ادامه خواهد داد اما به محض اینکه صادرات نفتشان کاهش یابد، سقوط پادشاهی آنها هم حتمی است.

در همین حال، نشریه فرانسوی «اکو» در گزارشی نوشت: سقوط قیمت نفت در حال تخلیه خزانه‌های عربستان سعودی است و این در حالیست که این کشور در حال دست و پنجه نرم کردن با نیازهای نظامی و اجتماعی خود و در تلاش برای تأمین این نیازهاست.

در ادامه گزارش آمده است: عربستان سعودی علاوه بر حذف یارانه نفت و لغو پروژه‌های ساخت‌وساز کوچک در آینده نزدیک، درنظر دارد یارانه آب و برق را نیز کاهش دهد که در واقع این کاهش یارانه‌ها را می‌توان برای کشوری که عادت به ثروتمندی دارد، یک قربانی دانست.

به گزارش فارس، اکو تاکید کرد: ریاض انتظار دارد در صورتی‌که قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۶ دلار برسد، ۱۲۴میلیارد یورو درآمد کسب کند اما عربستان سعودی هم‌اکنون از نفت خود تنها برای تأمین مالی نیمی از هزینه‌هایش استفاده می‌کند و احتمال آن وجود دارد که حتی بدهکار شود.

فاصله‌گذاری اصلاح‌طلبان با موسوی و کروبی پس خاتمی چه می‌شود؟!

عضو فراری حلقه کیان می‌گوید اصلاح‌طلبان بدون سر و صدا در حال فاصله‌گیری از موسوی و کروبی هستند در حالی که خاتمی هم با آنها در جنبش (فتنه) سبز همراهی کرده است.

مجید محمدی در بحبوحه فتنه سبز تصریح کرده بود جنبش سبز فراتر از بحث‌های انتخاباتی یا حتی مخالفت با رهبری و نظام، دنبال معارضه با اسلام است تا جایی که بتوان شرابخواری و کشف حجاب کرد و مشکل اصلی سر راه جنبش خود اسلام است.

وی اخیراً ضمن مقاله‌ای در وبسایت رادیو فردا نوشت: نیروهای اصلاح‌طلب از اعتماد پایین به خود رنج می‌برند و همین آنها را در موضع شکست قرار می‌دهد.

وی درباره «فاصله‌گیری اصلاح‌طلبان از موسوی و کروبی» نوشت: حکومت در رام کردن اصلاح‌طلبان و پایین آوردن انتظارات آنها از خود و انتظارات جامعه از آنها بسیار موفق عمل کرده است. علی تاجرنیا عضو مجلس ششم در مصاحبه با ایسنا و درباره اعتراضات سال ۸۸ می‌گوید: «واقعیت مطلب این است که باید بین اصلاح‌طلبان و کاندیدای اصلاح‌طلب تفکیک قائل شد؛ در واقع کاندیدای اصلاح‌طلبان در سال ۸۸ برای حضور در انتخابات خاتمی بود.» (ایسنا، ۳ بهمن ۱۳۹۳) تاجرنیا در فاصله‌گیری از موسوی و کروبی و رهنورد و جایگزین کردن آنها با خاتمی متوجه نیست که خاتمی نیز از سران فتنه به حساب آمده و علاوه بر ممنوع‌الخروج بودن، صدا و تصویر و گزارش از وی در رسانه ها ممنوع است. عضو فراری حلقه کیان همچنین درباره «جدایی عاطفی از روحانی» نوشت: سعید حجاریان مشاور خاتمی و عضو شورای شهر اول برای جداکردن حساب اصلاح‌طلبان از روحانی بالاخص در آستانه انتخابات مجلس می‌گوید: «روحانی چند ماه دیگر گرفتاری‌های عجیب و غریبی خواهد داشت؛ بی‌پولی، پروژه‌های عمرانی، اخراج کارگران، ناتوانی در پرداخت یارانه و حتی بخشی از حقوق دیگران... ما چاره‌ای جز دفاع از روحانی نداریم... شکست روحانی شکست ما نیست. او اصلاح‌طلب نبوده است.» (اعتماد، ۲۴ اسفند ۱۳۹۳)

وی خاطرنشان کرد: اصلاح‌طلبان از یک سو می‌دانند که نمی‌توانند به طور مستقل و بدون نسبتی با بخشی از حکومت به صحنه انتخابات حتی پا بگذارند، چه برسد به این که موفق شوند. اما از سوی دیگر متوجه‌اند که دولت روحانی کارنامه قابل توجهی در حوزه اقتصاد و جامعه و سیاست و فرهنگ نداشته و نمی‌توان با اتکا به آن به صحنه آمد. به همین دلیل است که حجاریان می‌خواهد حساب اصلاح طلبان را از دولت روحانی جدا کند در عین آن که حاضر نیست از آن جدا شود (طلاق عاطفی).

مأمور لانه جاسوسی آمریکا اولین چراغ تحریم انتخابات را روشن کرد

رئیس جمهور فراری و همکار گروهک تروریستی منافقین خواستار تحریم انتخابات شد.

ابوالحسن بنی‌صدر ضمن مقاله‌ای که در رسانه‌های ضد انقلاب منتشر شد، تصریح کرد، چون رأی دادن در حقیقت تصدیق حاکمیت است، نباید در انتخابات شرکت کرد و باید به تحریم انتخابات پرداخت. وی می‌نویسد: فرض بگیریم که «انتخابات» به طور کامل «آزاد» باشد؛ به این معنی که هم آزادی نامزد شدن وجود داشته باشد و هم آزادی بیان و آزادی اجتماع و آزادی وسایل ارتباط جمعی و آزادی نامزد گزینی به یمن برخورداری از حق اطلاع و شفافیت انتخابات؛ با وجود همه این‌ها، آیا رأی دادن در چنین سیستمی جز تسلیم شدن به قدرت سالب حق حاکمیت و برگزیدن کارگزار برای «رهبر» معنی دیگری می‌دهد؟

وی ادعا کرد: انتخابات در ایران آزاد نیست چون تحت نظارت شورای نگهبان قرار دارد.

یادآور می‌شود ابوالحسن بنی صدر با اسم رمز SDLURE در استخدام رسمی لانه جاسوسی آمریکا قرار داشت که با تسخیر لانه جاسوسی بخشی از اسناد خیانت و وطن‌فروشی وی لو رفت. وی پس از ریاست جمهوری ارتباطات وسیعی با گروهک تروریستی منافقین برقرار کرد و حتی دختر خود را به عقد مسعود رجوی سرکرده این گروهک درآورد اما در پی سلب اعتماد نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی و رأی به عدم کفایت وی، بنی‌صدر با پوشش و ظاهر زنانه از کشور گریخت.

خبر ویژه

وقتی افراطیون اصلاح‌طلب مدعی آرامش و رونق اقتصادی می‌شوند

شعار انتخاباتی افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی، توهین به شعور افکار عمومی است.

اصلاح‌طلبان شعار «امید و آرامش- رونق اقتصادی» را به عنوان شعار انتخاباتی برگزیده‌اند و این در حالی است که پرونده و کارنامه دو دهه اخیر آنان انباشته از سیاه‌نمایی، و تزریق ناامیدی و بی‌ثباتی به جامعه بوده و به اعتبار سیاست‌بازی و ترویج آنارشیسم و بی‌قانونی، یکی از عوامل مهم نابسامانی‌های اقتصادی بوده‌اند.

احمد شیرزاد از افراطیون فراکسیون مشارکت در مصاحبه با آریا مدعی شد: شعار انتخاباتی اصلاح‌طلبان گمشده دهه گذشته است و اتفاقات یک دهه گذشته باعث شد در زندگی‌های امروزی چیزی به اسم امید و آرامش وجود نداشته باشد.

همچنین محمود میرلوحی دیگر عضو حزب منحله مشارکت در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفت: وقتی دوستان درباره شعار انتخاباتی بحث می‌کردند، متوجه شدیم که آنقدر شعارهای متعدد در کشور تکرار شده که به سمت هر کدام برویم می‌بینیم که از صدر تا ذیل و از ازل تا ابد همه را گفته‌ایم. شعارهایی که وعده تحقق آنها را داده بودیم. متأسفانه فضای جامعه شاهد بوده که همه گفته‌اند اقتصاد را متحول می‌کنیم؛ ژاپن اسلامی درست می‌کنیم؛ همه چیز ارزان می‌شود؛ قیمت‌ها تثبیت می‌شود و دنیا و آخرت را آباد می‌کنیم. لذا وقتی دوستان می‌خواستند شعار انتخاباتی را برگزینند به شدت این دغدغه وجود داشت که شعاری تکراری و روتین نباشد. حتی مسئله بر سر این بود که اساساً شعار انتخاب کنیم یا خیر. اصلاح‌طلبان به این جمع‌بندی رسیدند که به هر صورت باید شعاری انتخاب شود. لذا با توجه به نگاه جریان اصلاح‌طلبی این شعار برگزیده شد.

وی همچنین گفته است: انتخابات بار دیگر می‌خواهد به مردم بگوید که می‌خواهد زندگی مردم بچرخد؛ خواستار رفاه و رونق اقتصادی است؛ به دنبال درمان رکود است؛ مسائل ازدواج جوانان و درمان ناهنجاری‌های اجتماعی همه در گروی رونق اقتصادی است. لذا جریان اصلاحات این شعار را انتخاب کرد. موضوعات زیادی مطرح بود ولی تصمیم نهایی بر این سه پیام بود.

اصرار افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی بر ادامه سیاست شعاردهی و در باغ سبز نمایی در حالی است که پس از ۲ سال و نیم هیاهو، دعاوی این طیف باید به ثمر می‌نشست و مردم ثمر رونق اقتصادی- و نه رکود اقتصادی تشدید شده به شهادت آمار و ارقام دولتی- را مشاهده می‌کردند.

اخیراً حسین راغفر از اقتصاددانان اصلاح‌طلب در مصاحبه با روزنامه اطلاعات تصریح کرد: «نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت، تشدید فقر و نابرابری است. سیاست خروج از رکود کاملاً بی‌خودی است... بانک‌ها، پتروشیمی‌ها و بنگاه‌های بزرگ، سیاست‌های اقتصادی را به دولت دیکته می‌کنند؛ گرچه اسم این سیاست، خروج از رکود است اما اینها عملاً باعث می‌شود که جامعه فراتر از مرزهای نگرانی برود. اخیراً بحث خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت مطرح شده که نتیجه این خصوصی‌سازی چه می‌تواند باشد جز بدتر شدن وضعیت جامعه».

وی با تأکید بر اینکه بازار اقتصاد، از دستفروشان تا پتروشیمی را دربر می‌گیرد، افزود: متأسفانه امروز فقط پتروشیمی را می‌بینیم و نامه چهار وزیر به رئیس جمهوری نیز در راستای حمایت از این پتروشیمی‌ها بود نه چیز دیگر؛ در حالی که برای حمایت از پتروشیمی‌ها، گازوئیل کشاورز چند ۱۰ برابر شده و کسی به آن اشاره نمی‌کند.

وی همچنین گفته است متأسفانه در طرح‌های اقتصادی، اصلاً مردم دیده نمی‌شوند.

غرب می‌خواهد به نحوی انتقاد کند که پوسته تخم مرغ آل‌سعود نشکند!

موضع کج‌دار و مریز کشورهای غربی در قبال نقض حقوق بشر از سوی عربستان، قابل تداوم نیست.

فیلیپ گوردون (مشاور سابق اوباما و هماهنگ‌کننده سابق سیاست‌های خاورمیانه) ضمن سخنانی در اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا خاطرنشان کرد: بنابر برخی اخبار نخست‌وزیر انگلیس سفر خود به عربستان سعودی را احتمالاً لغو می‌کند که برای تشویق فروش هواپیماهای جنگی به این کشور بود. آلمان نیز در برنامه‌های فروش تسلیحات خود به عربستان سعودی تجدیدنظر می‌کند. در این خصوص باید بگویم فکر نمی‌کنم فروش تسلیحات به عربستان سعودی به علت اتفاق‌های اخیر مربوط به این کشور لغو شود. آنچه موضع‌گیری‌های کشورهای عربی در این خصوص نشان می‌دهد این است که دولت‌های غربی با نوعی دو راهی در روابطشان با عربستان سعودی مواجه هستند. کشورهای غربی با وجود همه اختلاف‌هایی که با عربستان سعودی درباره این اعدام اخیر (شیخ النمر) در این کشور دارند و معتقدند این اعدام اقدامی ناخوشایند و نادرست بوده است، باز هم علاقه‌مند هستند روابط خود را با عربستان سعودی حفظ کنند.

مشاور سابق اوباما می‌افزاید: دولت‌های غربی نه تنها می‌خواهند به عربستان سعودی سلاح بفروشند یا از این کشور نفت خریداری کنند بلکه باید توجه داشت که عربستان سعودی با وجود همه کاستی‌ها و مشکلاتی که دارد، همچنان شریک و همراه غرب در حوزه جمع‌آوری اطلاعات علیه گروه‌های افراطی است. در نتیجه، بروز بی‌ثباتی در پادشاهی سعودی یا بدتر از آن، سقوط آل سعود اصلاً به نفع منافع غرب نیست. بنابراین می‌بینیم که ایالات متحده و شرکای اروپایی آن درباره مسئله عربستان سعودی در وضع بسیار بغرنجی قرار دارند بطوری که از یک سو می‌خواهند بر عربستان سعودی به خاطر نقض حقوق بشر فشار وارد کنند. اما در عین حال به رابطه با عربستان سعودی نیاز دارند و می‌خواهند این رابطه حفظ [illegible] پوست تخم مرغ‌ها را نشکنیم!»

لایحه برنامه ششم توسعه به خاطر ناهماهنگی در دولت لنگ می‌زند

یک روزنامه اصلاح‌طلب به خاطر ناهماهنگی در میان دستگاه‌های دولتی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، خواستار تجدیدنظر در لایحه برنامه ششم توسعه شد. این در حالی است که تاخیر دولت در ارائه لایحه بودجه و همزمان شدن ارائه لایحه بودجه ۹۵ و لایحه برنامه ششم توسعه به مجلس با اعتراض نمایندگان و کارشناسان مواجه است.

روزنامه شرق با تردید در رعایت ویژگی‌های علمی و مدیریتی در تدوین لایحه برنامه ششم توسعه نوشت: چندی پیش وزیر نیرو مخالفت خود را با ادغام شدن با وزارت نفت و ایجاد وزارت انرژی اعلام کرد و پس از آن وزیر کشاورزی درباره جدا کردن بخش بازرگانی کشاورزی و پیوند آن با وزارت اقتصاد و دارایی نیز انتقاد کرد، به قول مولوی، آفتاب آمد دلیل آفتاب، این دو دستگاه از محتوای برنامه بی‌خبر بوده‌اند! همین مقدار گویای آن است که برنامه، مشارکت‌های لازم را نداشته و به دور از پشتوانه مطالعاتی بوده است. چه اصراری است که برنامه‌ای با کلی‌گویی و بدون اسناد ثبت شده و مشارکت گروه‌های مرتبط، تهیه شود؟

شرق می‌افزاید: از همه مهم‌تر هماهنگی لازم میان دستگاه‌های اقتصادی به ویژه میان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه انجام شود تا سیاست انبساطی بانک مرکزی (وام‌های ضد رکود اخیر) با سیاست انقباضی وزارت دارایی (افزایش درآمد مالیاتی) خنثی نشود!

این روزنامه خاطرنشان کرد: در مرحله نخست باید نظام فکری واحدی در اداره اقتصاد باشد. بانک مرکزی نمی‌تواند از یک آبشخور فکری سود جوید و سازمان برنامه از جریانی دیگر و دارایی نیز فارغ از آنها باشد؛ نحله فکری و نظام عقیدتی مشخصی باید راننده اقتصاد کلان کشور باشد. پس از این مرحله، سازمان برنامه متولی تهیه و تنظیم برنامه شود و دستگاه‌های دولتی هر یک براساس شاخه فعالیت خود با بخش خصوصی وارد تصدی‌گری برنامه شوند و حوزه‌های استراتژیک را تعریف کنند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* چرا هزینه‌های عملکرد برخی از مسئولان وبال گردن مردم است. آیا باید آن قدر در مقابل کوتاهی برخی از مسئولان سکوت کرد تا فتنه‌گران کشور را بگیرند. کرسنت‌ها به وجود آمد، فتنه‌گران در پست‌های کلیدی کشور قرار گرفتند تا به کی باید سکوت کرد؟ از شورای نگهبان تقاضا داریم کسانی که صلاحیت ندارند را رد صلاحیت کند و بداند مردم پشتیبان این شورا و مثل همیشه در صحنه‌اند.

۰۲۶۳---۹۹۰۷

* مگر قرار نبود مصوبات شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی و الزامات ۹گانه مد نظر رهبر معظم انقلاب درباره برجام از جمله ارائه تضمین و تعهد کتبی مقامات اروپا و آمریکا مبنی بر لغو تمامی تحریم‌های ایران و خودداری از تصویب و اجرای تحریم‌های جدید از طرف آمریکای مستکبر توسط وزارت امور خارجه مطرح و پیگیری شود؟ پس چه شد؟ مگر قرارنبود وضع هر نوع تحریم جدید باید با توقف اجرای برجام روبه‌رو شود؟

۰۹۹۰---۲۶۱۹

* ما مردم نظام و کشور خود را از صمیم دل دوست داریم و حاضر به هر نوع فداکاری هستیم ولی از اینکه در برجام توان هسته‌ای کشور متوقف شده و چیزی عاید ما نشده سخت ناراحت شده‌ایم. در قضیه عربستان هم که از دستگاه دیپلماسی کشور چیزی جز انفعال ندیده‌ایم مسئول این تحقیرها کیست؟

سینکی

* مردم کره شمالی به جای سبزی علف خوردند ولی زیر بار زور شیطان بزرگ نرفتند و بمب هیدروژنی ساختند ولی دولت تدبیر ما همه هسته‌ای و دستاوردهای شهدا را داد تا کدخدا گره‌ای از مشکلات باز کند ولی پس از قریب به ۳ سال دوندگی، جز خسارت و هدر رفتن انرژی و وقت و فرصت و افزایش تحریم‌ها و متلاشی کردن دستاوردهای هسته‌ای چیزی دستگیرمان نشده است!

دباغ‌زاده و طاهری

* رسانه‌های دولتی با ذوق‌زدگی تبلیغات راه انداخته‌اند که تا چند روز دیگر تحریم‌ها برداشته و همه جا گل و بلبل می‌شود ولی واقعیت مسئله این است که آمریکا به بهانه‌های جدید تحریم‌ها را ادامه می‌دهد. آینده خیلی از مسائل را روشن خواهد کرد.

نیکنام از قم

* غافلگیری دولت تدبیر از تک و پاتک عربستان در قضیه حادثه ساختگی سفارت این کشور در ایران و انشاء نامه از سوی وزارت خارجه برای بازگرداندن خیابان شهیدآیت‌الله نمر به نام قبلی خود همه حکایت از ضعف دولتمردان عزیزمان دارد. متاسفانه ملت هنوز از زخم توهین‌های آل سعود در کشتار منا، واقعه مسجدالحرام و حادثه فرودگاه عربستان التیام نیافته که این عدم تدبیرهای جدید دولت به آنها اضافه شده است.

محمودی

* از حمله به سفارت عربستان در ایران خوشحال نیستیم و نامه آقای رئیس‌جمهور [illegible]

بخشی

* [illegible]

۰۹۱۱---۸۲۴۷

* رئیس‌جمهور چرا خواستار رسیدگی خارج از نوبت به حادثه جده و جان باختن قریب به ۵۰۰ حاجی ایرانی در منا و مسجدالحرام نشد؟

۰۹۱۲---۷۷۳۴

* [illegible]

۰۹۱۳---۱۴۴۲

* [illegible]

قهرمانی - جاده قدیم کرج

* [illegible]

۰۹۱۲---۶۷۹۸

* [illegible] ۳ میلیون تومان وام ازدواج [illegible] ۵ میلیارد تومان [illegible]

صباغ

* [illegible]

سوری

* [illegible]

علیمردانی

* [illegible]

۰۹۱۲---۸۵۸۰

* [illegible]

۰۲۱---۳۱۰

* [illegible]

صادق از یزد

* [illegible]

۰۲۱---۵۸۳۴

* [illegible]

۰۲۱---۸۶۵۲

* [illegible]

۰۹۳۸---۶۶۸۴

* [illegible]

۰۹۱۴---۰۶۰۱

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

در پاسخ به مطلب مندرج در روزنامه به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ با عنوان «اتوبوس‌های [illegible]